

پسران ترس خورده امروز؛ مردان دیگر آزار فردا

Photo: aletia/depositphotos.com

راضیه امیری

وقتی با عنوان خشونت خانگی روبه‌رو می‌شویم، ناخودآگاه در خیال خود مرد خشمگینی را تصویر می‌کنیم که زن بی‌پناهی را به باد کتک گرفته است. این تصویری کلیشه‌ای و سنتی از مساله خشونت خانگی است. تصویری که قابلیت بالایی برای ایجاد یک دوقطبی دارد. دو قطبی خیر و شر. سپیدی و سیاهی. زنان مظلوم و ستم کشیده‌ای که مورد آزار مردان بیدادگر قرار گرفته‌اند.

این تصویر به تمامی غلط نیست، اما از آنجا که درگیر کلی‌نگری است با مساله غامض خشونت خانگی به صورت بسیط و ساده برخورد می‌کند و از واکاوی لایه‌های پنهان آن سر باز می‌زند: سنجشی که برای درک پدیده خشونت خانگی لازم است و البته بایستی هر دو سوی رابطه را در نظر بگیرد و سعی کند از خلال اشک‌های زن و خشم و هوار مرد به این پرسش پاسخ دهد که چه می‌شود که یک زن به خود اجازه می‌دهد در چنین موقعیتی قرار بگیرد و چه می‌شود که یک مرد در چنین جایگاه دل‌آزاری قرار می‌گیرد؟

در راستای چنین بحثی می‌توان از فیلم «ملی و راه‌های نرفته‌اش» مثال زد. در این فیلم به کارگردانی «تهمینه میلانی» سعی شده است به این مساله پرداخته شود. البته در این فیلم شخصیت زن ستم‌دیده - «ملیحه» - بیشتر در مرکز توجه است و اکثر نگاه‌ها بر روی او و خشونت است که از سوی «سیامک» - همسرش - بر او جاری می‌شود. خشونتی که صرفاً در خشونت فیزیکی خلاصه نمی‌شود و بیم و هراس از چگونگی رفتار سیامک از پس هر نگاه و رفتار زن، بر دل و جان ملیحه سایه افکنده است.

بیشتر بخوانید:

[کودکانی که صدای‌شان به گوش‌ها نمی‌رسد](#)

[چطور با کسی که در معرض خشونت است صحبت کنیم](#)

[خانه امن واقعا وجود دارد](#)

با این حال اما کارگردان تلاش داشته است در کنار به تصویر کشیدن خشونت نفرت‌انگیز سیامک، این پرسش مخاطب خود را بی‌پاسخ نگذارد که چرا سیامک به صورت بیمارگونه‌ای ملیحه را اذیت می‌کند. خصوصا که در خلال فیلم مشاهده می‌کنیم سیامک به ملیحه علاقه‌ای عاشقانه نشان می‌دهد. در واقع، شکاک بودن سیامک آمیخته با علاقه مفرطی است که او نسبت به ملیحه نشان می‌دهد.

برای نمونه می‌توان به دو سکانس از فیلم برای تایید این مساله اشاره کرد.

به عنوان مثال وقتی در خرید عروسی، سیامک از ملیحه می‌خواهد که گردن خود را ببوشاند، ملیحه با حالتی آمیخته به شوخی و جدی خطاب به او می‌گوید: «مگه تو گشت ارشادی؟! «و سیامک نیز با یک لحن عاشقانه می‌گوید: «بله و هم دیوونه تو!»

در سکانسی دیگر و پس از آنکه آزار سیامک اوج می‌گیرد، ملیحه نزد خانواده خود می‌رود و سیامک نیز با حالتی متنبه و پشیمان درباره رفتار شنیع خود می‌گوید: «دست خودم نیست. اینقدر دوست دارم وقتی یکی به تو نگاه می‌کنه حس می‌کنم انگار داره به مال من دست درازی می‌کنه.»

اما چرا این علاقه سیامک به آزار بی‌وقفه ملیحه منتهی می‌شود؟ شاید در نگاه نخست بتوان گفت این علاقه مشحون از نگاه مردسالارانه و نگاه کالایی به زن است. چنان که خودش می‌گوید وقتی کسی به ملیحه نگاه می‌کند انگار به «مال او» دست درازی می‌شود. اما کارگردان سعی می‌کند در فیلم مساله‌ای دیگر را نیز به میان بکشد و آن نوع رفتار پدر سیامک در خانه در زمان کودکی سیامک است.

هنگامی که سیامک ملیحه را کتک می‌زند و پدر سیامک که از ویلچر استفاده می‌کند از همسرش می‌خواهد که به کمک ملیحه برود، مادر سیامک با تلخی به او می‌گوید: «خودت یادش دادی، خودت هم جلوش رو بگیر.»

با چنین مکالمه‌ای این مساله برای مخاطب مطرح می‌شود که پدر سیامک نیز در خانه به اصطلاح دست بزن داشته است. چنانکه مادر سیامک در صحنه‌ای دیگر می‌گوید وقتی سیامک را حامله بود روزی ۰۱ لگد از همسرش می‌خورد. یک بار نیز سیامک که ظاهراً از رفتار

خشن خود در مقابل ملیحه ابراز ندامت می‌کند، خاطره‌ای تلخ از کودکی خود را یادآوری می‌کند؛ وقتی کودک بود و برای خرید نان رفته بود، پول نان را گم کرد و وقتی به خانه برگشت، از پدرش کتک بسیار بدی خورد تا آن حد که دستش شکست و او دیگر پدرش را دوست نداشت و دلش هرگز با او صاف نشد.

از سوی دیگر پژوهش‌ها و مطالعات مرتبط هم **نشان داده‌اند** احتمال زورگویی، پرخاشگری و رفتارهای مجرمانه در کودکانی که در خانه‌هایی پر از خشم، نزاع و خشونت بزرگ شده‌اند، بیشتر از کودکان دیگری است که زندگی در چنین محیطی را تجربه نکرده‌اند.

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

بهناز مهرانی، مشاور و روانشناس نیز در این زمینه به «خانه امن» می‌گوید: «اساس رفتارهای آدمی یادگیری است و این فرایند تا پایان عمر ادامه دارد. کودکان یادگیری را از خانواده آغاز می‌کنند و رفتارهای درست و غلط، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، هنجارها و ناهنجاری‌ها را از این طریق می‌آموزند. خشونت و پرخاشگری هم از جمله همین رفتارها هستند.»

این روان‌شناس که در ایران در زمینه حقوق کودکان نیز فعالیت مدنی داشته است در ادامه و در توضیح بیشتر می‌گوید: «کودک به دو شکل در خانواده خشونت را می‌آموزد: ۱- تنبیه بدنی. والدینی که فاقد مهارت‌های فرزندپروری هستند برای کنترل کودکان از تنبیه بدنی به عنوان یک روش تربیتی استفاده می‌کنند. تنبیه شونده هم غالباً تبدیل به تنبیه کننده می‌شود. ۲- کودکان روش‌هایی را که والدین برای حل مسائل و مشکلات خود به کار می‌برند یاد می‌گیرند. چنانچه والدین فاقد مهارت‌های کافی برای حل اختلافات خود با یکدیگر و با سایر افراد باشند و از رفتارهای خشونت‌آمیز استفاده کنند، کودک نیز خشونت را به عنوان یک راهکار حل مساله خواهد شناخت.»

با این حال شاید بتوان گفت این حکمی قطعی و کلی نیست و تحقیقاتی هم هستند که **نشان می‌دهند** با وجود اینکه گرایش به خشونت در بزرگسالی در میان کودکان مبتلا به خشونت خانگی بالاست، اما نهادهای مدنی نیز می‌توانند نقشی کنترل کننده داشته باشند و از تاثیر سوء و منفی خشونت خانگی بر روند رشد و تربیت کودکان بکاهند.

با توجه به اشاره بالا به نقش نهادهای مدنی، شاید در اینجا بد نباشد گریزی به «خانه امن» زده شود. نهادی که سعی می‌کند بنا به تعریفی که از خود ارائه می‌دهد خشونت خانگی را به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی مورد هدف قرار دهد و در راستای پیشگیری از آن و مقابله با آن فعالیت کند.

در فیلم «ملی و راه‌های نرفته‌اش» نیز شماره تماس مشاور خانه امن، دریاچه امدادی بود برای ملیحه تا بتواند با صدای مردی روبه‌رو شود که بر خلاف اطرافیانش سعی می‌کرد با درک مشکل او، به او یاری برساند.

خانه امن اما تنها برای امثال ملیحه نیست و می‌تواند پناهگاه مشورتی برای دیگر آزاردیدگان نیز باشد؛ از جمله والدینی که نگران آینده کودکان خود هستند. والدینی که نمی‌خواهند کودکان‌شان تبدیل به مردانی مانند سیامک شوند.

خانه امن واقعا وجود دارد

تهمینه میلانی کارگردان سینمای ایران بعد از چهار سال با یک اثر جدید به سینما بازگشته است. میلانی در تازه‌ترین ساخته خود «ملی و راه‌های نرفته‌اش» بازهم به مشکلات اجتماعی با تاکید بر رفتارهای که با زنان می‌شود، پرداخته است. موضوع اصلی آخرین ساخته تهمینه میلانی خشونت خانوادگی است همزمان با اکران این فیلم در ایران و کانادا با او گفت‌وگو کرده‌ایم.

فیلم ملی و راه‌های نرفته‌اش خشونت‌ی شبیه به آنچه در بچه‌های طلاق ارایه داده‌اید، دارد. انگار که جوان ملی و راه‌های نرفته‌اش همان کودک بچه‌های طلاق است. فیلم دو خشونت را نشان می‌دهد. انگار ما با یک نوع رفتار خشن خوب و یک رفتار خشن بد مواجه هستیم. رفتاری که خانواده ملیحه (ماهور الوند) با وی انجام می‌دهند به نظر رفتار مثبتی می‌آید تا اجازه ندهند وی با کسی ازدواج کند که اصلاً همسر ایده‌آلی نیست؟

رفتار خانواده ملی و مخالفت آنها با ازدواج او، نشان کمی از علاقه و بیشتر مخالفت با موقعیت اقتصادی و اجتماعی سیامک دارد. آنها سیامک را در شان خود نمی‌دانند. عقاید، خواست و نیاز ملیحه در خانواده خود اهمیتی ندارد و برای همین مصلحت او در نظر گرفته

می‌شود. او همانند دختران هم طبقه‌ی خودش، باید از نظرات بزرگ‌ترها اطاعت کند و وظیفه‌ی خانه‌داری را بر دوش بکشد و اگر خطایی از او سر زد، تنبیه شود. ملی بدون هیچ تبحری در زندگی، قصد تغییر این شرایط را دارد، برای همین زمانی که با سیامک آشنا می‌شود، تصمیم می‌گیرد همسر او شود تا خود را از شر باید و نبایدهای خانواده و مشق و لگدی که گهگدار نصیبتش می‌شود رهایی یابد، غافل از آنکه بیرون از خانه هم ممکن است شرایط ایده‌آل نباشد. این رفتاری است که بسیاری از زنان که در محیط‌های بسته بزرگ می‌شوند و خودباوری و اتکا به نفس کافی ندارند، از خود نشان می‌دهند. همانند «نیر» که برای فرار از محیط خشن خانه، با مردی بی‌آزار، افسرده و کم هوش ازدواج کرده است.

خشونت‌ی که خانواده ملی و نیر به آنها روا می‌دارند ناشی از کلیشه‌های تربیتی و تعصب گوراست. مراقبت سختگیرانه از موجودی که می‌تواند آبروی خانواده را به باد بدهد! با همین منطق او را زیر کنترل شدید قرار می‌دهند. یکی از مخاطبین اصلی این فیلم دخترانی با شرایط ملی و نیر است. ما به آنها هشدار می‌دهیم که تصور نکنند که اگر با هر راهکاری از محیط تنگ خانه بگریزند، لزوماً موقعیت بهتری می‌یابند.

فیلم «ملی و راه‌های نرفته‌اش» نمایشی است از چاله به چاه افتادن، که تنها فرد تصمیم‌گیرنده مقصر نیست، بلکه عوامل متعددی این موقعیت تلخ را رقم می‌زنند و در نهایت دود آن به چشم همه‌ی افراد خانواده و البته جامعه می‌رود.

خشونت‌ی که در فیلم نشان داده می‌شود بسیار آزاردهنده و عریان است چرا به سمت این حجم از خشونت و اثرات آن رفتید؟

احتمالاً منظورتان حس خشونت و عواقب آن است، وگرنه ما در فیلم، صحنه خشن نداریم و به طور مستقیم خشونت را به نمایش نمی‌گذاریم.

فکر می‌کنم معصومیت و مظلومیت ملی که دختری پذیرنده با سقف آرزوهای کوتاه است، این حس را در شما به وجود آورده است و این عالی است. همانطور که دیدید ما کتک خوردن و یا ضرباتی که به بدن ظریف او فرود می‌آید را نمایش نمی‌دهیم. و فقط آثار ناشی از این رفتار خشونت‌آمیز به تصویر می‌کشیم. حتی در آفرینش درام هم مراقب بودیم اغراقی صورت نگیرد و به قول معروف با نمایش اشک و آه، اشک شما جاری نشود، بلکه با درک شرایط ناگزیر ملی و شکسته شدن روح و جسم یک انسان بی‌پناه، درام شکل بگیرد و شما را به فکر وادارد و لازمه‌ی آن حس علاقه‌ی تماشاگران به شخصیت ملی بود که خوشبختانه موفق شدیم.

شما بعد از ساخت فیلم بچه‌های طلاق به سمت آثار دیگری همچون «آتش بس و» دو زن «گرایش پیدا کردید؛ اما بعد از سال‌ها دوباره فیلمی را ساختید که درون‌مایه آن خشونت خانوادگی است. با توجه به اینکه برای بیشتر فیلم‌های خود پژوهش می‌کنید آیا همچنان معتقدید که مسئله خشونت خانوادگی بسیار مهم است؟

البته فیلم‌های «دو زن»، «واکنش پنجم» و «زن زیادی» هم نمایشی از خشونت است، اما نه خشونت فیزیکی. بلکه خشونت‌ی که ردی بر جای نمی‌گذارد. همچنین موضوع فیلم «نیمه پنهان» هم خشونت اجتماعی و سیاسی است.

به دلایل بسیار و در دوره‌های متفاوت، مسولین وزارت ارشاد مانع از ساخت فیلم‌هایی با محوریت زنان شدند و راه مرا سد کردند. چندین فیلمنامه نوشتم که به آنها پروانه ساخت ندادند، به ناگزیر به علایق ثانویه روی آوردم و فیلم‌هایی همچون «سوپراستار» و «آتش بس» را ساختم. البته نمی‌خواهم بگویم «آتش بس» «ها یا» سوپراستار «را دوست ندارم. آنها فیلم‌های قابل توجهی هستند، که هم به لحاظ نگارش و هم ساخت، فیلم‌های سختی بودند و من بسیار دوستشان دارم اما الویت من، ساخت فیلم درباره‌ی زنان است.

مسائل اجتماعی یک شبه رخ نمی‌دهد و یک شبه نیز به ذهن من راه پیدا نمی‌کنند. در طول زندگی روزمره، با مطالعه کتب مختلف، رسانه‌ها، تحقیقات و تماسهایی که مردم با من می‌گیرند با مشکلات اجتماعی آشنا تر می‌شوم. هر مشکل اعم از حضانت، خشونت، بدسرپرست و... به صورت دسته‌بندی شده در کامپیوتر و البته ذهن من جای می‌گیرد. همچنین برای هر موضوعی تقریباً تحقیقات و بررسی‌های جداگانه‌ای را به صورت مکتوب و شفاهی جمع‌آوری می‌کنم. از میان این تحقیقات ناگهان قصه‌ای خودش را به من تحمیل می‌کند که نتیجه آن می‌شود فیلم دو زن یا واکنش پنجم یا فیلم‌های دیگر.

فیلم ملی و راه‌های نرفته‌اش نیز از دل همین مطالعات به وجود آمد. و با آنکه به نظر دشوار می‌آمد اما مرا رها نکرد.

چرا دشوار؟

ساخت فیلم درباره زنان آسیب‌دیده همچون زنان معتاد، خیابانی و روسپی یا حتی یک زن کارآفرین سخت نیست، زیرا ویژگی‌های داستانی و دراماتیک دارد. اما ساخت فیلم درباره زن خانه‌دار و زن نجیب خانه خیلی سخت است. چون این نوع زنان از لحاظ شخصیتی اوج و فرود کمی دارند.

ما در فیلم ملی و راه‌های نرفته‌اش مشکلات کوچک و کمرنگ زنان خانه‌دار را کنار هم قرار داده‌ایم تا رشد پلکانی شخصیت او و

خشونت‌ی که ابعادش بزرگ‌تر می‌شود را به نمایش بگذاریم. از توهین کلامی وقتی سیامک او را خنگ صدا می‌زند یا می‌گوید: من عاشق چشم‌های خنگ تو هستم، همچنین قطع ارتباط با خویشان و دوستان ملی و سرانجام خشونت فیزیکی. تا جایی که ملی دست به شکایت می‌زند تا همسرش را خاطر خشونت فیزیکی به زندان بفرستد.

تا پیش از این، نوع خشونت سیامک ناپیدا بود و مدرکی به جا نمی‌ماند، اما اینبار با کیودی و شکستگی داستان تغییر می‌کند و این سؤال را به وجود می‌آورد که چرا قانونگذار برای شکستن قلب و روح انسان‌ها ارزشی قائل نیست؟ در ادامه با تنبیه شدن سیامک، او شکل خشونت خود را تغییر می‌دهد. اینبار با نادیده گرفتن و بی‌توجهی به ملی که باز هم ردی به جای نمی‌ماند. معتقدیم که این نوع از خشونت که شکل پیچیده‌تری از خشونت فیزیکی دارد گرچه نمایشی نیست، اما تاثیرات بسیار مخرب‌تری دارد. همچنین خشونت‌های جاری در جامعه که ممکن است رد فیزیکی به جا نگذارد اما تأثیر مخربی دارد.

نگاهی به دور و بر خود بیاندازید. وقتی در خیابان، مردی در حال رانندگی به به زنی که رانندگی می‌کند، می‌گوید: «زنیکه چه کسی به تو گواهینامه داده؟! «خشونت است. او بی‌آنکه به عواقب کلام خود فکر کند، روح زنی را که نمی‌شناسد، آزرده می‌کند.

آیا خشونتگر متعلق به طبقه خاصی است؟

البته که نه. او می‌تواند باسواد یا بی‌سواد باشد. ثروتمند یا فقیر، مذهبی یا غیرمذهبی. حتی می‌تواند پدر خوبی باشد اما همسر خود را کتک بزند.

از نظر شما چرخه این خشونت هیچ راه فرار و پایانی برای کسی که اعمال خشونت می‌کند، ندارد؟

اگر در چرخه‌ی خشونت گرفتار شوید، احتمال ناچیزی وجود دارد که از آن خلاص شوید. مگر آنکه با آگاهی از خودتان و دلایل خشونت، قصد پایان دادن به آن را داشته باشید. خشونت‌ی که سیامک (میلااد کی‌مرام) انجام می‌دهد از روی قصد نیست بلکه داده‌هایی که از دوران کودکی وارد ذهن او شده؛ او را فرد خشنی بار آورده است. اگر دقت کنید در چند صحنه از فیلم، سیامک قصد ندارد همسرش را بزند و به همین منظور به خودزنی روی می‌آورد اما بازهم در نهایت موفق نیست و به خشونت متوسل می‌شود.

من با نظر آقای ریسی موافقم که اگر کسی که خشونت می‌کند، نداند که باید برای آن تاوانی بدهد، قطعاً به رفتار خشن خود ادامه می‌دهد زیرا این روش را برای خود روش درستی می‌داند.

اما رفتار این فرد فقط در خانه خشن نیست آیا نباید چنین فردی با خود بیاندیشد که چرا این میزان خشن است؟

وقتی خشونت در فرد نهادینه شود، فرد تصور می‌کند که روش او درست است و همان روش را دنبال می‌کند. سیامک در ناخودآگاه خود روش پدر را دنبال می‌کند. او نه تنها رفتارهای خشونت‌آمیز خانواده، بلکه تمامی اعمالی که انجام می‌دهد، از آنها یاد گرفته است. حتی تعریف عشق نیز برای وی همان تعریفی است که از پدر و مادرش آموخته است. راه فرار از این چرخه خشونت بستگی مستقیم با این مساله دارد که خشونتگر چه کسی است برای حل این مشکل چه میزان آگاه است. فرد خشن باید ابتدا بپذیرد که این رفتار غلط است و بخواهد که به خود و خانواده و اصلاح رابطه با آنها کمک کند. در غیر اینصورت اگر این مساله را یک امر عادی بداند طبیعی است که هیچ حرکت اصلاحی نخواهد داشت.

چه میزان خشونت‌ی که امروز در جامعه وجود دارد ریشه در مشکلات اقتصادی دارد؟

از دید من، نمی‌توان مسائل اقتصادی را دلیل اصلی خشونت خانگی دانست. اما خشونت‌های اجتماعی را چرا؟ به‌ویژه از زمانیکه فاصله‌ی طبقاتی رو به افزایش گذاشته است، خشونت در سطح شهر بسیار بیشتر دیده می‌شود. اما فراموش نباید کرد افرادی هم وجود دارند که از لحاظ شغلی و موقعیت اقتصادی مشکلات بسیاری دارند، اما به دلیل آموزه‌های درست کودکی، رفتار خوبی با جامعه و خانواده‌های خود دارند و فادزند مسائل را از هم تفکیک کنند. مثال عملی و علمی این مساله رفتاری است که ما در محیط‌های کاری و در خانواده انجام می‌دهیم. اغلب ما در محیط کار در برابر خواست‌های گاه زورگویانه روسای خود حتی اگر دستور درستی نباشد گرچه حس بدی داریم، اما تمکین می‌کنیم و هیچ چیز نمی‌گوییم. اما ممکن است در برابر فرزند خود چنین رفتاری نداشته باشیم. یعنی در مقابل فرادست خشم خود را کنترل می‌کنیم و در مقابل فرودست آن را رها می‌کنیم. پس نتیجه می‌گیریم که گرچه احساس قابل کنترل نیست، اما خشم کاملاً قابل کنترل است. بسیاری از رفتارهای خشن اجتماعی، ریشه در مشکلات اقتصادی ندارد بلکه غالباً ریشه در تربیت نادرست و در قوانین تبعیض‌آمیز حقوقی دارد که غیرقابل انطباق با زندگی امروز است. وقتی قانون به شکلی کاملاً یک طرفه بیشترین حقوق را به مرد داده است و اگر حقی برای زن قائل شده است، آن را به‌صورتی طراحی کرده است که موقعیت فرادست داشته باشد، برای خشونت خط پایانی نمی‌بینم.

منظورتان چیست؟

حقوقی که قانونگذار برای زن در ازدواج در نظر گرفته است همچون مهریه، نفقه، مسکن و ... به شکلی است که موجب می‌شود مرد همیشه در موقعیت فرادست قرار بگیرد. این نگرش به صورت اتوماتیک به مرد قدرت مالکیت زن را می‌دهد، چون به نوعی زن را می‌خرد. وقتی حس مالکیت در مرد به وجود می‌آید، به خود حق می‌دهد تا همان رفتاری را بکند که پیش از این در مورد رها کردن خشم به فرزندان عرض کردم. او مالک و رئیس است، پس حق دارد. البته این فقط مردها نیستند که خشن هستند بلکه ما زن خشن نیز داریم، اما نسبت آنها کمتر از مردان است. خشونت که زنان نشان می‌دهند، بیشتر کلامی است که موجب تحقیر مردان می‌شود.

در بخش هایی از فیلم به ماهواره و فضای مجازی اشاره کرده‌اید اما زیاد به تاثیر آنها نپرداختید؟

قطعاً روی تربیت و رفتار اقشار خاصی تاثیر گذاشته است، اما نه به آن اندازه که رسانه‌ها و فضای مجازی و تلویزیون اعلام می‌کنند. طبعاً ماهواره به تنهایی نمی‌تواند علت اصلی رفتارهای غلط باشد اما می‌تواند تشدیدکننده باشد.

دوست ملی (ماه‌ور الوند) که نقش آن را السا فیروزآذر بازی می‌کند به جای مبارزه با خشونت و یا فرار از آن به سمت رابطه با فردی دیگر حرکت می‌کند و به نوعی خیانت کرده است؟

معتقد نیستم که شخصیت نیر خیانت می‌کند. او زن زیبا و جوانی است که از محیط خشن و نامن خانواده‌ی خود فرار می‌کند و همسری اختیار می‌کند که خشن نباشد. اما همسر او گرچه برایش خانه ساخته است، اما قابلیت برآورده کردن نیازهای جنسی و عاطفی او را ندارد. از آنجا که نیر هم اتکا به نفس و آگاهی کافی در امور اجتماعی ندارد، در جهت پاسخ دادن به نیازهای خود، به زن و فرزند معشوقش، جفا و به نوعی خشونت روا می‌دارد که در عرف اجتماعی نامش خیانت است. عمل او گرچه به شدت آسیب‌زاست، اما قابل تأمل است.

متأسفانه از این قبیل ارتباطات مخرب در خانواده‌هایی که تنها با یکدیگر و در یک دایره بسته معاشرت می‌کنند، به وفور دیده می‌شود اما عزمی وجود دارد که حرفی از آن زده نشود و این قبیل فجایع انکار شود!

شماره تماسی که در فیلم نشان می‌دهید و خانه امن آیا واقعا وجود دارد؟

بله واقعی است. خانه امن یک NGO است که به زنان خشونت دیده و در معرض خشونت کمک‌های حقوقی می‌کند. این مرکز توسط تعدادی از متخصصان حقوقی و روانی با هدف کمک به بهبود جامعه شکل گرفته است. این افراد، چشمداشت مالی ندارند و در جهت سلامت جامعه، مشاوره رایگان می‌دهند. از آنجا که مراجعه‌کننده دیدار حضوری با این مشاوران ندارد، به سادگی مسائل خصوصی خود را با آنها در میان می‌گذارد و مشاوره می‌گیرد. جالب است بدانید نام آقای ریسی که در فیلم به ملی مشاوره می‌دهد، نام حقوقدانی است از اعضای خانه امن، که با تماسی که با ایشان داشتم، مشاور حقوقی فیلمنامه شدند.

منبع: خبرگزاری ایلنا